دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری
راهبردهای کارآفرینی در کشاورزی

نقش رویکرد کارآفرینانه و ظرفیت جذب دانش در عملکرد شرکت‌های صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی

خاطره پورآهنگریان[۱]، مرتضی موقر[۲] و میثم شیرخدایی[۳]

۱ و ۳- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد و دانشیار، دانشگاه مازندران
۲- استادیار، دانشگاه مازندران، (نویسنده مسوول: m.movaghar@umz.ac.ir)
تاریخ دریافت: ۹۵/۱۲/۲۲ تاریخ پذیرش: ۹۶/۸/۲۴

چکیده

در محیط پویای کسب‌وکار، که جریان‌های سود در آینده از عدم اطمینان برخوردارند، شرکت‌ها نیاز دارند که به صورت مستمر در جست‌وجوی فرصت‌های جدید و بهره‌برداری از آن‌ها باشند. حفظ حضور فعال در بازار و دستیابی به عملکرد بالاتر مستلزم توجه بیشتر این شرکت‌ها به عوامل تأثیرگذار بر شاخص‌های مهم عملکردی آنها است. امروزه کارآفرینی و اتخاذ رویکرد کارآفرینانه به‌عنوان یک تدبیر مهم برای چگونگی سازماندهی شرکت‌ها و بهره‌برداری از فرصت‌های بازار در کانون توجه صاحب‌نظران و مدیران در عرصه تئوری و عمل مدیریت سازمان‌ها قرار دارد. هدف مقاله حاضر بررسی تأثیر رویکرد کارآفرینانه و ظرفیت جذب دانش بر عملکرد شرکت‌های کوچک و متوسط صنایع تبدیلی استان مازندران بوده‌است. روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای است و نمونه شامل ۹۹ شرکت می‌باشد. داده‌ها از طریق پرسشنامه‌ای که روایی آن براساس نظر جمعی از متخصصان تأیید، و پایایی آن با استفاده از فرمول آلفای کرونباخ ۰/۹۵ محاسبه گردید، جمع‌آوری شده است. نتایج نشان داد که رویکرد کارآفرینانه و ظرفیت جذب دانش تأثیر مثبت و معنی‌داری برعملکرد شرکت‌ها داشته‌اند. به عبارت دیگر، سطح بالاتر فعالیت‌های مبتنی بر رویکرد کارآفرینانه، منجر به عملکرد بالاتر گردیده‌است.یافته‌های تحقیق مبین آن است که با اکتشاف مستمر دانش بیرون ازشرکت و جذب بخش‌های مورد نیاز آن و به عبارتی درونی‌سازی این دانش در بین افراد و تیم‌ها می‌توان سطح بالاتری از عملکرد شرکت را شاهد بود. با توجه به همین نتایج به مدیران این شرکت‌ها پیشنهاد گردید تا برای بهبود عملکرد نسبت به اتخاذ رویکرد کارآفرینانه و فراهم‌ساختن بستر مناسب برای جذب دانش در سازمان اهتمام بیش از پیش معمول دارند.

واژه‌های کلیدی: رویکرد کارآفرینانه، ظرفیت جذب دانش، عملکرد صنایع تبدیلی و تکمیلی، استان مازندران

مقدمه

مسأله غذا همواره از دغدغه‌های اصلی بشر محسوب شده‌است و پیشرفت انسان در عرصه‌های علم و تکنولوژی نه تنها از وابستگی بشر به غذا کم نکرده بلکه ایشان را بیشتر از گذشته وابسته به یک تغذیه مناسب و مطلوب نموده‌است. شاید یکی از مهم‌ترین تغییرات در طی سده‌های اخیر، تغییر در وضعیت تغذیه در جهان باشد. در حقیقت، پیش‌زمینه‌ای که انقلاب صنعتی با نام انقلاب کشاورزی طی نمود، چیزی جز دستیابی به میزان غذای بیشتر و امکان استفاده از برخی غذاها در فصول گوناگون نبود (۲). در این میان، صنایع تبدیلی و تکمیلی می‌تواند با حفظ و نگه‌داری محصولات در آن‌ها به گونه‌ای تغییر و تبدیل ایجاد نماید که امکان مصرف آن‌ها در طی سال میسر باشد (۱۹). صنایع تبدیلی صنایعی هستند که متکی به انواع فرآورده‌ها و محصولات تولیدی کشاورزی است و هر فرآورده یا محصول کشاورزی و دامی به‌عنوان ماده‌ی اولیه‌ای در جریان فرایند تولیدات تبدیلی به مصرف می‌رسند. صنایع تبدیلی کشاورزی نیز به واحدهایی اطلاق می‌شود که به فرآوری مواد نباتی یا حیوانی می‌پردازد. فرآوری دربرگیرنده‌ی تغییر شکل و حفاظت از طریق تغییرات فیزیکی و شیمیایی، ذخیره‌سازی، بسته‌بندی و توزیع است (۱). در این صنعت با به‌کارگیری روش‌های فیزیکی و شیمیایی، فرآورده های کشاورزی و دامی تبدیل به مواد و کالای نیمه‌ساخته و یا آماده مصرف می‌شود و بدین‌وسیله ماندگاری این محصولات بیشتر، و مصرف و عرضه آن مناسب‌تر می‌شود و در مجموع از این طریق ارزش اقتصادی محصولات بالاتر می‌رود (۱۹).

در ایران صنایع تبدیلی ۱۶ درصد تولید ناخالص داخلی و حدود ۲۵ درصد صادرات کالاهای غیرنفتی کشور را تأمین می‌کند (۲۷). از طرف دیگر، امروزه در کشورهای پیشرفته، از پسماندها و تولیدات جانبی کشاورزی مواد ارزشمندی تولید می‌کنند، در حالی که نرخ ضایعات کشاورزی در ایران حدود ۱۸ درصد می‌باشد (۳۶). این ضایعات بیانگر وجود ناکارآمدی‌ها و در نتیجه فرصت‌های بالقوه کارآفرینانه و امکان ایجاد و توسعه شرکت‌های نوپا در صنایع تبدیلی ایران می‌باشد. ایجاد و گسترش صنایع تبدیلی دارای برخی اثرهای اقتصادی از جمله ایجاد ارزش افزوده، ایجاد اشتغال، ایجاد درآمدهای ارزی و همچنین استفاده بیشتر از محصولات کشاورزی و به این ترتیب جلوگیری از اتلاف و ضایع شدن محصولات می‌گردد (۱۹). به عنوان مثال، میزان اشتغال در واحدهای تولیدی این صنعت در سال ۹۴، ۱۰۱۴۴۲ نفر، و میزان ظرفیت تولید ۳۴۳۷۴/۱ هزار تن بوده‌است که از این میزان ۳۹۱۹/۸ هزار تن ظرفیت تولید صنایع تبدیلی استان مازندران می‌باشد (۳۶). این صنعت در مقایسه با سایر صنایع دارای کمترین میزان وابستگی به مواد اولیه خارجی است و با کمترین هزینه نقش به‌سزایی در کارآفرینی و اشتغال دارد. از این رو اتخاذ قابلیت‌هایی در سطح شرکت مانند رویکرد کارآفرینانه و ظرفیت جذب دانش می‌تواند در موفقیت شرکت‌های فعال در این صنعت نقش مؤثری داشته باشد. واژه رویکرد کارآفرینانه به عنوان الگوهای رفتاری سازمانی که تعهد سازمان بر تشدید کارآفرینی را منعکس می‌کند، تعریف می‌شود (۵). لامپکین و دس (۱۳) نیز رویکرد کارآفرینانه را شامل پنج بعد استقلال‌گرایی، رقابت تهاجمی، نوآوری، پیشگامی و ریسک‌پذیری می‌دانند. به اعتقاد آنها این سازه از نظر مفهومی چند بعدی است و نشان‌دهنده‌ی تمایل سازمان برای حفظ مزیت رقابتی و رقابت تهاجمی از طریق خطرپذیری و نوآوری در مقابل سایر رقبای تجاری است و

[Downloaded from jea.sanru.ac.ir on 2025-12-08]

که تعهد سازمان بر تشدید کارآفرینی را منعکس می‌کند، تعریف می‌شود (۵). لامپکین و دس (۱۳) نیز رویکرد کارآفرینانه را شامل پنج بعد استقلال‌گرایی، رقابت تهاجمی، نوآوری، پیشگامی و ریسک‌پذیری می‌دانند. به اعتقاد آنها این سازه از نظر مفهومی چند بعدی است و نشان‌دهنده‌ی تمایل سازمان برای حفظ مزیت رقابتی و رقابت تهاجمی از طریق خطرپذیری و نوآوری در مقابل سایر رقبای تجاری است و صرف نظر از اندازه و نوع سازمان، قابلیت کاربرد در هر سازمان را دارد. اولین تعریف ظرفیت جذب توسط کوهن و لوینتال (۳) ارائه شد و آن را توانایی شناسایی اطلاعات ارزشمند جدید، و جذب و به کارگیری آن در راستای اهداف تجاری بیان‌کردند. زهرا و جورج (۳۵) نیز ظرفیت جذب را به عنوان یک مجموعه از روندها و فرآیندهای سازمانی معرفی کردند که بوسیله‌ی آن شرکت‌ها بصورت سیستماتیک، با ایجاد یک قابلیت سازمانی پویا به اکتساب، تلفیق و شبیه سازی، انتقال و بهره‌برداری از دانش می‌پردازند. ایده اصلی ظرفیت جذب، اکتشاف مستمر دانش بیرون از سازمان و جذب بخش‌های مورد نیاز آن در سازمان است (۱۱). ظرفیت جذب یکی از پایه‌ای‌ترین توانایی‌های یادگیری است که بنگاه‌ها به کمک آن می‌توانند دانش و اطلاعات بیرون از سازمان که برای آن‌ها سودمند می‌باشد را شناسایی، و سپس نسبت به تطبیق خود با دانش شناسایی‌شده و نهایتاً درونی‌سازی آن اقدام نمایند (۹). در مورد ابعاد اصلی مفهوم ظرفیت جذب دیدگاه‌های نسبتاً مشابهی وجود دارد که می‌توان آن را شامل اکتساب، تلفیق و شبیه‌سازی (یا ادغام)، انتقال (یا تغییر شکل) و بهره‌برداری دانش و فناوری دانست. ظرفیت جذب به خودی خود هدف نیست اما می‌تواند برون‌دادهای سازمانی مهمی چون عملکرد نوآورانه را خلق کند (۱۰). در مورد ارتباط ویژه بین ظرفیت جذب و رفتار کارآفرینانه، زهرا و همکاران (۳۳) دریافتند که ظرفیت جذب یکی از تعیین‌کننده‌های اصلی کارآفرینی شرکتی در شرکت‌های تازه‌تأسیس است زیرا می‌تواند بطور قابل ملاحظه‌ای توانایی تشخیص و کشف فرصت‌های جدید را از طریق ایجاد مهارت‌های جدید و کاهش ثبات شناختی مدیران ارشد شرکت، بهبود دهد. همچنین سالواتو و همکاران (۲۲) دریافتند که هر جزء ظرفیت جذب یک مرحله‌ی مختلف از فرایند کارآفرینی سطح شرکت را بهبود می‌دهد. رابطه بین کارافرینی، رویکرد کارآفرینانه و عملکرد سازمانی، برای چند دهه موضوع بحث و مناظرات قابل توجهی بوده‌است و پژوهشگران کارآفرینی تلاش کرده‌اند با تحقیق درباره‌ی رابطه بین رویکرد کارآفرینانه و عملکرد سازمانی، ارتباط بین این دو مفهوم را تشریح کنند (۱۲،۱۴،۳۰،۳۱،۳۲،۳۴). همچنین در ادامه با مروری بر پیشینه تحقیقات انجام شده می‌توان ارتباط ظرفیت جذب و عملکرد را نیز مورد تأیید قرار داد.

نتایج مطالعه راکتین و همکاران (۲۰) نشان داد که ظرفیت جذب دانش بازار تأثیر مثبتی بر عملکرد شرکت از طریق بهبود جذب و حفظ مشتری شرکت دارد. تیزوکاس و همکاران (۲۸) در مطالعه‌ی خود نسبت به بررسی رابطه بین ظرفیت جذب و عملکرد به این نتیجه رسیدند که ظرفیت جذب در ترکیب با قابلیت‌های شرکت برای بکارگرفتن جدیدترین تکنولوژی در برنامه توسعه‌ی محصول و همچنین ترویج ارتباط قوی با مشتری برای بدست آوردن بینش مشتری در توسعه‌ی محصول جدید، منجر به بهبود عملکرد شرکت براساس توسعه محصول جدید، عملکرد بازار و سودآوری می‌شود. انگلن و همکاران (۷) در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که ظرفیت جذب رابطه بین رویکرد کارآفرینانه و عملکرد را در بازارهای متلاطم تقویت می‌کند. شیاسیا و همکاران (۲۴) نیز تحقیقی در زمینه‌ی رویکرد کارآفرینانه در صنایع با تکنولوژی پایین و متوسط انجام دادند. در این تحقیق تأثیر تعدیل‌گر ابعاد ظرفیت جذب بالقوه و بالفعل بر ارتباط بین رویکرد کارآفرینانه و عملکرد مورد بررسی قرار گرفت. نتایج این تحقیق نشان داد که در صنایعی با تکنولوژی پایین و متوسط رویکرد کارآفرینانه وقتی با سطح بالایی از ظرفیت جذب بالقوه و بالفعل همراه شود تأثیر مثبتی بر عملکرد شرکت دارد. کاستاپلس و همکاران (۱۰) در پژوهشی به بررسی رابطه بین ظرفیت جذب، نوآوری و عملکرد مالی پرداختند. نتایج تحقیق نشان داد که جریان‌های دانش خارجی بصورت مستقیم با ظرفیت جذب و بصورت غیرمستقیم با نوآوری در ارتباط هستند و ظرفیت جذب در محدوده‌ی زمانی مختلف به نوآوری و عملکرد مالی بصورت مستقیم و غیر مستقیم کمک می‌کند. نتایج مطالعه سنجقی و همکاران (۲۳) نشان داد که رویکرد کارآفرینانه بصورت مستقیم و به میزان چشم‌گیری باعث ارتقاء سطح عملکرد جامعه هدف می‌شود و متغیر تعهد سازمانی بعنوان متغیر میانجی فاقد نقش‌آفرینی بر این رابطه می‌باشد. در پژوهشی که توسط مرادی و همکاران (۱۶) صورت گرفت، نقش ظرفیت جذب دانش (فردی و سازمانی) بر عملکرد نوآورانه سازمان‌ها مورد بررسی قرار گرفت. نتایج تحلیل همبستگی و رگرسیون، از بین رابطه‌ی ظرفیت جذب فردی و سازمانی و همچنین از رابطه این دو با عملکرد نوآورانه حمایت کرد. همچنین نقش میانجی ظرفیت جذب سازمانی در رابطه بین ظرفیت جذب فردی و عملکرد نوآورانه مورد تأیید قرار گرفت. حجازی و حسینی مقدم (۸) در مطالعه خود به منظور بررسی تأثیر رویکرد کارآفرینانه بر عملکرد بانک‌ها با توجه به نقش میانجی بازارگرایی به این نتیجه رسیدند که بین رویکرد کارآفرینانه و عملکرد بصورت مستقیم و نیز بواسطه بازارگرایی بطور غیرمستقیم رابطه معنی‌داری وجود دارد و بازارگرایی بر این رابطه تأثیر به‌سزایی دارد. رضوی و همکاران (۲۱) طی پژوهشی نقش رویکرد کارآفرینانه را در عملکرد شعبه‌های بانک ملّت تهران به همراه نقش تعدیل‌گر مشتری‌مداری و عدم اطمینان محیطی مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد که رویکرد کارآفرینانه بطور مستقیم و از طریق استراتژی مشتری مداری بر عملکرد شعب بانک ملّت تأثیر دارد. در حالی که عدم اطمینان محیطی تأثیری بر ارتباط بین رویکرد کارآفرینانه و عملکرد ندارد.

اگرچه تحقیقات انجام گرفته بطور کلی ارتباط بین متغیرهای تحقیق حاضر را تأیید می‌کنند، اما در خصوص جهت و نوع روابط خصوصاً در جامعه مورد بررسی پژوهش خاصی صورت نگرفته است. با توجه به مراتب، هدف از

[Downloaded from jea.sanru.ac.ir on 2025-12-08]

پژوهش حاضر شناساسی اثر رویکرد کارآفرینانه و ظرفیت جذب بر عملکرد شرکت‌های کوچک و متوسط فعال در صنایع تبدیلی و تکمیلی واقع در استان مازندران می‌باشد. با بررسی تأثیر این عوامل مدیران این شرکت‌ها می‌توانند به درک بهتری از رویکرد کارآفرینانه و ظرفیت جذب دست یابند و گام‌های مؤثری در جهت بهبود عملکرد شرکت بردارند.

مواد و روش‌ها

این تحقیق از نظر هدف کاربردی و از نظر شیوه گردآوری اطلاعات تحقیق از نوع پژوهش‌های توصیفی و پیمایشی از نوع همبستگی می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش، شرکت های کوچک و متوسط صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی (۱۳۳شرکت) واقع در استان مازندران می‌باشند که حداقل ۳ سال سابقه فعالیت داشته و حداقل ۲ نوع محصول تولیدی داشته باشند. با توجه به این که سطح تحلیل در این پژوهش شرکت می‌باشد پرسشنامه‌های موردنظر در اختیار مدیران ارشد و میانی این شرکت‌ها به عنوان افراد کلیدی و مطلع قرار داده شد و در نهایت پرسشنامه‌های بدست آمده از هر شرکت برای تجزیه و تحلیل داده‌ها ترکیب شدند. روش نمونه‌گیری، تصادفی طبقه‌ای است و استان مازندران به سه طبقه غرب، شرق و مرکز تقسیم شده‌است و شرکت‌ها از شهرهای موردنظر از این طبقات انتخاب شده‌اند. این شهرها شامل: ساری، نکا، بهشهر، آمل، قائم‌شهر، بابل، بابلسر، محمودآباد، نوشهر، چالوس، رامسر و تنکابن می‌باشند. حجم نمونه با توجه به فرمول کوکران ۹۹ شرکت تعیین شد. تعداد ۲۳۰ پرسشنامه بین مدیران ارشد و میانی این شرکت‌ها توزیع شد که پس از بررسی پرسشنامه‌ها تعدادی از آنها به دلیل ناقص بودن کنار گذاشته شدند و در نهایت تعداد ۲۰۷ پرسشنامه قابلیت تحلیل داشتند. در این پژوهش برای جمع‌آوری داده‌ها از نمونه مورد نظر از پرسشنامه‌های استاندارد استفاده شده است. به عنوان مثال برای متغیر رویکرد کارآفرینانه، از شاخص‌های لامپکین و دس (۱۳) با ۲۰ سؤال، ظرفیت جذب، از شاخص پاولو و ال ساوی (۱۸) با ۸ سؤال و عملکرد شرکت از شاخص وارهیس و مورگان (۲۹) با ۱۲ سؤال استفاده شده‌است.

بر اساس شاخص لامپکین و دس رویکرد آفرینانه شامل پنج بُعد ریسک‌پذیری، نوآوری، پیشگامی، رقابت تهاجمی و استقلال‌گرایی است. در این پژوهش ریسک‌پذیری شامل شناسایی و بهره‌برداری از فرصت‌های جدید، سرمایه‌گذاری در پروژه‌های پرریسک، سرمایه‌گذاری در فناوری‌های ناشناخته و تأمین مالی پروژه‌های جدید از طریق منابع مالی خارجی است. نوآوری شامل توجه مدیران به فعالیت‌های تحقیق و توسعه، توجه به ارائه ایده‌های جدید کارکنان بدون در نظر گرفتن موقعیت آنها، مشهود بودن تغییرات در خطوط محصولات و تمایل مدیران به کنار گذاشتن باورهای قدیمی و اتخاذ راهکارهای جدید است. پیشگامی سازمان شامل تمایل مدیران به پیشگامی در ارائه ایده‌ها، محصولات جدید، شناسایی فرصت‌های جدید در میان مشتریان، تلاش برای شناسایی نیازهای ناشناخته مشتریان و در نهایت، شناسایی فرصت‌های جدید در بازار جدید است. رقابت تهاجمی عبارت است از تمایل شرکت بر حمله به جای دفاع، تخصیص هزینه برای فعالیت‌های ارتقادهنده موقعیت رقابتی، افزایش کیفیت محصولات و خدمات و کاهش قیمت محصولات برای خارج کردن رقبا و به چالش کشاندن آن‌ها از طریق اقدامات متهورانه. استقلال‌گرایی شامل استقلال کارکنان برای ارائه ایده‌های جدید و تصمیم‌گیری در مورد نحوه انجام کارشان، همچنین استقلال آن‌ها برای به پایان رساندن کارها و مشارکت کارکنان در تصمیم‌گیری مدیران است. بر اساس شاخص‌های پاولو و ال ساوی ظرفیت جذب شامل چهار بعد اکتساب، تلقیق و شبیه‌سازی (یا ادغام)، انتقال و استخراج است. اکتساب عبارت است از توانایی تشخیص و دستیابی به دانش داخلی و خارجی، برخورداری از رویه‌هایی برای شناسایی، ارزش‌گذاری و وارد کردن اطلاعات و دانش جدید به درون شرکت. تلقیق و شبیه‌سازی (ادغام) شامل برخورداری از رویه‌های مناسب برای تجزیه و تحلیل اطلاعات و دانش بدست آمده و همچنین جذب و یکسان‌سازی اطلاعات و دانش جدید می‌باشد. انتقال عبارت است از تکمیل دانش موجود با استفاده از اطلاعات و دانش جدید بدست آمده و توانایی تبدیل اطلاعات موجود به دانش جدید. استخراج شامل توانایی بهره‌برداری از دانش و اطلاعات داخلی و خارجی برای کاربردهای واقعی و توانایی استفاده از دانش در محصولات و خدمات جدید می‌باشد.

در پژوهش حاضر عملکرد شرکت به وسیله مقیاس‌های ذهنی سنجیده می‌شود و شامل دو بخش مالی و غیرمالی می‌شود که بر اساس شاخص وارهیس و مورگان شامل سه بعد رضایت مشتری، اثربخشی بازار و سودآوری فعلی می‌باشد. در بخش مالی از شاخص سودآوری فعلی و در بخش غیرمالی از دو شاخص رضایت مشتری و اثربخشی بازار استفاده شده است. رضایت مشتری عبارت است از ایجاد رضایت کلی برای مشتریان، ایجاد ارزش برای مشتریان، توانایی تأمین خواسته‌های مشتریان و توانایی حفظ مشتریان با ارزش. اثربخشی بازار شامل رشد سهم بازار، رشد در درآمد فروش، جذب مشتریان جدید و افزایش فروش به مشتریان موجود است. سودآوری فعلی نیز عبارت است از سودآوری کسب و کار، نرخ بازده سرمایه‌گذاری، بازده فروش و تحقق اهداف مالی که تمام ابعاد عملکرد با توجه به عملکرد شرکت طی یکسال گذشته و در مقایسه با رقیب اصلی شرکت پاسخ داده می‌شوند. پاسخ کلیه متغیرهای تحقیق نیز بر اساس طیف پنجگانه لیکرت داده شده است. برای تعیین پایایی پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ استفاده شد. نتایج مربوط به ضریب آلفای کرونباخ که توسط نرم‌افزار SPSS محاسبه شده، برابر ۰/۹۵ است که این میزان بیانگر پایایی بالای پرسشنامه است. برای تعیین روایی پرسشنامه از روایی محتوایی و سازه استفاده گردید. برای تعیین روایی محتوایی پس از تدوین پرسشنامه، در اختیار چند تن از اساتید و متخصصان موضوع قرار گرفته و روایی آن مورد تأیید قرار گرفت. روایی سازه نیز از طریق روش‌های روایی همگرا و روایی واگرا محاسبه می‌شود.

[Downloaded from jea.sanru.ac.ir on 2025-12-08]

تحقیق حاضر برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها، روش مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM)[1] با رویکرد حداقل مربعات جزئی (PLS)[2] را به کار گرفته‌است که با استفاده از نرم‌افزار Warp PLS 5 انجام شده‌است. روش‌های مؤلفه محور که بعداً به روش حداقل مربعات جزئی (PLS) تغییر نام دادند، توسط ولد (۱۹۷۴) ابداع شد. روش PLS از دو مرحله اصلی تشکیل شده‌است: ۱) بررسی برازش مدل‌های اندازه‌گیری، مدل ساختاری و مدل کلی. ۲) آزمودن روابط میان سازه‌ها. در برازش مدل اندازه‌گیری، پایایی و روایی ارتباط بین متغیرهای پنهان و متغیرهای آشکار وابسته نشان داده می‌شود. پایایی شاخص با سه معیار آلفای کرونباخ، پایایی ترکیبی و ضرایب بارهای عاملی مورد سنجش قرار می‌گیرد. به این ترتیب که آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی باید بیش از ۰/۷ باشد و ضرایب بارهای عاملی باید بیش از ۰/۴ باشد تا مدل از پایایی مناسبی برخوردار باشد. البته موس و همکاران در مورد متغیرهایی با تعداد سوالات اندک، مقدار ۰/۶ را به عنوان سرحد ضریب آلفای کرونباخ معرفی کردند (۶). روایی همگرا نیز توسط معیار میانگین واریانس استخراج شده (AVE) مورد تحلیل قرار می‌گیرد. مگنر (۱۵) برای این معیار مقادیر بیشتر از ۰/۴ را پیشنهاد می‌کند. همچنین، برای بررسی روایی واگرا مدل از ماتریس فورنل و لارکر استفاده شده است که میزان رابطه یک سازه به شاخص‌هایش در مقایسه رابطه آن سازه با سایر سازه‌هست (۶) و در صورتی روایی واگرا برقرار است که اعداد مندرج در قطر اصلی از مقادیر زیرین خود بیشتر باشند.

در برازش مدل ساختاری ابتدایی‌ترین معیار برای سنجش رابطه‌ی بین سازه‌ها در مدل (بخش ساختاری)، اعداد معنی‌داری t است. در صورتی که مقدار این اعداد از ۱/۹۶ بیشتر شود، نشان از صحت رابطه‌ی بین سازه‌ها و در نتیجه تأیید فرضیه‌های پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد است. قابل بیان است که در خروجی نرم‌افزار Warp PLS اعداد T-Value از طریق P-Value نشان داده می‌شود. بدین صورت که بترتیب P کمتر از ۰/۰۰۱، ۰/۰۱ و ۰/۰۵ به معنی این می‌باشد که اعداد معنی‌داری t بیشتر از ۳/۲۷، ۲/۵۷ و ۱/۹۶ می‌باشد و نشان از صحت رابطه بین سازه‌ها در سطح اطمینان ۹۹/۹، ۹۹ و ۹۵ درصد است. از دیگر خروجی‌های نرم‌افزار که در شکل یک ملاحظه می‌شود، ضرایب R^2 مربوط به متغیر پنهان درون‌زای (وابسته) مدل است، که نشان از تأثیر یک متغیر برون‌زا بر یک متغیر درون‌زا دارد و مقادیر ۰/۱۹، ۰/۳۳ و ۰/۶۷ بعنوان مقدار ملاک برای مقادیر ضعیف، متوسط و قوی R^2 در نظر گرفته شده است. این مقدار برای متغیر درون‌زای مدل یعنی عملکرد ۰/۴۴ است، که نشان از برازش ساختاری متوسط می‌باشد، و در آخر برازش مدل کلی نیز با معیار GOF[3] صورت گرفت. معیار GOF مربوط به بخش کلی مدل‌های معادلات ساختاری است. بدین معنی که توسط این معیار، محقق می‌تواند پس از بررسی برازش بخش اندازه‌گیری و بخش ساختاری مدل کلی پژوهش خود، برازش بخش کلی را نیز کنترل نماید. برای بررسی برازش مدل کلی تنها از یک معیار به نام نیکویی برازش (رابطه ۱) استفاده می‌شود و سه مقدار ۰/۰۱، ۰/۲۵ و ۰/۳۶ که به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای GOF معرفی شده است (۶).

$$GOF = \sqrt{\overline{Communalities} \times \overline{R^2}} \qquad (۱)$$

پس از بررسی برازش مدل‌های اندازه‌گیری، مدل ساختاری و مدل کلی، نوبت به بررسی فرضیه‌های پژوهش می‌رسد. که به دو طریق صورت می‌گیرد:

الف) بررسی ضرایب معنی‌داری Z (t-value) مربوط به هریک از فرضیه‌ها و ب) بررسی ضرایب استاندارد شده بار عاملی مربوط به مسیرهای هریک از فرضیه‌ها.

در پژوهش حاضر برای آزمون فرضیه‌ها از نرم‌افزار Warp PLS استفاده شده‌است. در این نرم‌افزار در صورتی که (P<۰/۰۱) باشد، نشان می‌دهد که در سطح اطمینان ۹۹ درصد فرضیه‌ی حاضر تأیید شده است. همچنین، عددبتا نشان‌دهنده‌ی وضعیت این تأثیر می‌باشد که نحوه تحلیل اثرگذاری برای مقادیر بالاتر از ۰/۷۱ تا ۰/۶۳ خیلی خوب، ۰/۶۳ تا ۰/۵۵ خوب، ۰/۵۵ تا ۰/۴۵ متوسط، ۰/۴۵ تا ۰/۳۲ ضعیف و کمتر از ۰/۳۲ اثرگذاری بسیار ضعیف تعیین شده است.

نتایج و بحث

نتایج حاصل از برازش مدل‌های اندازه‌گیری و ساختاری در جداول ۱و ۲ نشان داده شده‌است.

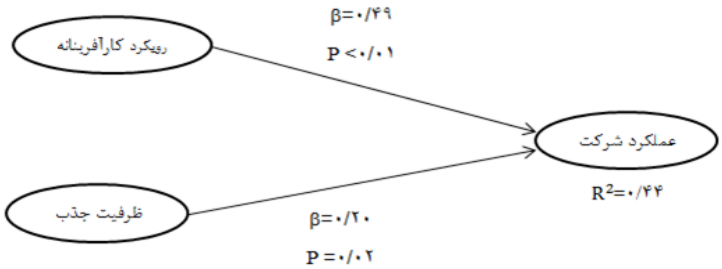

شکل ۱- نتایج تحقیق
Figure 1. Research results

1- Structural Equation Modeling 2- Partial Least Squares (PLS 3- Goodness of Fit

[Downloaded from jea.sanru.ac.ir on 2025-12-08]

جدول ۱- نتایج بارهای عاملی، پایایی ترکیبی، آلفای کرونباخ و روایی همگرا

Table 1. The results of loadings, composite reliability, Cronbach's alpha and convergent validity

متغیر	ابعاد	بار عاملی	پایایی ترکیبی	آلفای کرونباخ	میانگین واریانس استخراج شده (AVE)
رویکرد کارآفرینانه	ریسک پذیری	۰/۷۵	۰/۹۳	۰/۸۹	۰/۸۲
	نوآوری	۰/۹۷	۰/۹۶	۰/۹۵	۰/۸۸
	پیشگامی	۰/۸۹	۰/۹۰	۰/۸۵	۰/۶۹
	رقابت تهاجمی	۰/۶۲	۰/۷۸	۰/۶۳	۰/۴۸
	استقلال	۰/۹۲	۰/۹۴	۰/۹۲	۰/۸۱
ظرفیت جذب	اکتساب	۰/۸۷	۰/۸۷	۰/۷۰	۰/۷۷
	ادغام	۰/۸۵	۰/۸۶	۰/۶۷	۰/۷۵
	انتقال	۰/۸۹	۰/۸۸	۰/۷۴	۰/۷۹
	استخراج	۰/۸۸	۰/۹۰	۰/۷۸	۰/۸۲
عملکرد	رضایت مشتری	۰/۶۴	۰/۸۰	۰/۶۷	۰/۵۱
	اثربخشی بازار	۰/۹۵	۰/۸۷	۰/۸۱	۰/۶۴
	سودآوری فعلی	۰/۹۵	۰/۹۳	۰/۹۰	۰/۷۸

با توجه به جدول ۱ ضرایب بارهای عاملی برای تمامی ابعاد متغیرها بالای ۰/۴ است. همچنین پایایی ترکیبی تمامی ابعاد بالای ۰/۷ می‌باشد. ضریب آلفای کرونباخ تمامی ابعاد نیز بالای ۰/۶ است. بنابراین با توجه به سه معیار آلفای کرونباخ، پایایی ترکیبی و ضرایب بارهای عاملی مدل از پایایی مناسبی برخوردار است. همچنین مقدار AVE تمام ابعاد بیشتر از ۰/۴ است که در نتیجه مدل از روایی همگرا نیز برخوردار است.

جدول ۲- روایی واگرا (به روش فورنل و لارکر)

Table 2. Discriminant validity (by the Fornell-Larcker critcrion)

متغیرها	۱	۲	۳
رویکرد کارآفرینانه	۰/۷۱		
ظرفیت جذب	۰/۸۳	۰/۷۶	
عملکرد	۰/۶۱	۰/۵۹	۰ ۰ /۶۹

بر اساس جدول ۲ روایی واگرا مدل به روش فورنل و لارکر نیز با کمی اغماض در مورد سازه رویکرد کارآفرینانه قابل قبول است.

در نرم‌افزار Warp Pls مقدار GOF بصورت خودکار در خروجی نرم‌افزار نمایش داده می‌شود که این مقدار برای پژوهش حاضر مقدار ۰/۴۸ است که نشان از برازش قوی مدل کلی دارد.

بعد از بررسی برازش مدل، فرضیه‌های پژوهش مورد بررسی قرارمی‌گیرند. همانطور که در شکل ۱ ملاحظه می گردد، مقدار P-Value برای فرضیه اول کوچکتر از ۰/۰۱ شده است که نشان می‌دهد در سطح اطمینان ۹۹ درصد فرضیه حاضر تأیید شده است و ضریب بتا (β)، ۰/۴۹ نشان دهنده‌ی وضعیت این تأثیر می‌باشد. برای فرضیه دوم مقدار P-Value کوچکتر ۰/۰۵ از شده‌است که نشان می‌دهد در سطح اطمینان ۹۵ درصد فرضیه دوم هم با ضریب مسیر ۰/۲۰ مورد تأیید قرار گرفت.

یافته‌های به‌دست آمده از پژوهش در چارچوب فرضیه‌های مطرح شده مورد بررسی قرار گرفت.

در فرضیه اول تأثیر مثبت و معنی‌دار رویکرد کارآفرینانه بر عملکرد شرکت مورد تأیید قرار گرفت. بدین مفهوم که تلاش شرکت‌ها برای به کارگیری و حمایت از ایده‌های جدید، فرآیندهای خلاّقانه و پذیرش ریسک در شرایطی که احتمال منطقی شکست پرهزینه وجود دارد، اتخاذ تدبیر و مبادرت به عمل پیش از وقوع مشکلات و مواجهه باچالش‌های مستقیم و شدید با رقابت‌کننده‌ها و در آخر، در اعطای استقلال کاری به افراد یا تیم‌ها درجهت ارائه ایده و به تحقق رساندن آن مآلاً به عملکرد بهتر و بالاتر آنها منجر خواهد شد. در فرضیه دوم هم تأثیر مثبت و معنی‌دار ظرفیت جذب بر عملکرد شرکت مورد تأیید قرار گرفت. این نتیجه مبین این است که تشخیص و کسب دانش خارجی، تجزیه و تحلیل، تفسیر و درک آن دانش، همچنین انتقال و درونی‌سازی دانش‌های مذکور در بین افراد و تیم‌ها همان‌گونه که در برخی دیگر از تحقیقات هم مشاهده گردید وصول به سطح بالاتر عملکرد را برای شرکت به ارمغان خواهد آورد. بنابراین، ظرفیت جذب به عنوان یک قابلیت پویا می‌تواند نقش مهمی در تبدیل رویکرد کارآفرینانه بر عملکرد بهبود یافته داشته باشد. همان‌گونه که ملاحظه شد یافته‌های پژوهش نشان داد رویکرد کارآفرینانه و ظرفیت جذب بر عملکرد شرکت‌های صنایع تبدیلی استان مازندران تأثیر مثبت دارند لذا، به منظور افزایش عملکرد شرکت‌های فعال در این صنعت پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

با توجه به تأثیر معنی‌دار رویکرد کارآفرینانه بر عملکرد شرکت و اهمیت ابعاد آن، مدیران باید با تأمین اعتبار زمینه را برای سرمایه‌گذاری در فناوری‌های نوین فراهم کنند و با تأکید و تشویق فعالیت‌های مستقل فردی یا تیمی در ارائه ایده‌ها و محصولات جدید پیشگام شوند و بستری مناسب را برای تولید ایده‌های خلاق ایجاد کنند. مدیران این شرکت‌ها می‌توانند از مراکز آموزشی، ترویجی و مشاوره‌ای مناسب در زمینه‌های کشاورزی و صنعت استفاده کنند که می‌تواند منجر به ایجاد نوآوری و ارتقای کمی و کیفی محصولات با توجه به نیازهای بازار شود. همچنین با در نظر گرفتن تأثیر ظرفیت

[Downloaded from jea.sanru.ac.ir on 2025-12-08]

جذب بر عملکرد شرکت، مدیران باید زمینه مناسبی را برای توزیع دانش کسب شده و تغییر شکل یافته در سراسر سازمان ایجاد کرده و از محدود شدن آن در بخش خاصی مانند تحقیق و توسعه خودداری کنند.

منابع

1. Austin, J.E. 1992. Agro industrial project analysis: critical design factors. Book of Agricultural industries, Johns Hopkins University Press.
2. Baniasadi Nezhad, M. 2007. Modern times and the food industry. The Book of Month Art Monthly, 66-73.
3. Cohen, W. and D. Levinthal. 1990. Absorptive capacity: A new perspective on learning and innovation. Administrative Science Quarterly, 35(1): 128-152.
4. Covin, J.G. and G.T. Lumpkin. 2011. Entrepreneurial orientation theory and research: reflections on a needed construct. Entrepreneurship, Theory & Practice, 35(5): 855-872.
5. Covin, J.G. and D.P. Slevin. 1986. The Development and testing of an organization- level entrepreneurship scale, In Frontiers of Entrepreneurship Research, Edited by Ronstadt R, Hornaday JA, Peterson, R. and Vesper KH. Babson College: Wellesly, MA: 628- 639.
6. Davari, A. and A. Rezazadeh. 2013. Structural equation modeling with PLS software, Tehran: Publishing Organization of Jihad of Collegiate (In Persian).
7. Engelen, A., H. Kube, S. Schmidt and T.C. Flatten. 2014. Entrepreneurial orientation in turbulent environments: The moderating role of absorptive capacity. Research Policy, 2977: 1-17.
8. Hejazy, S.R. and S.M. Hosseini Moghadam. 2013. The impact of entrepreneurial orientation on banks performance with emphasis on the mediation role of marketing orientation. Social, Scientific and Cultural Monthly of Work and Community, 166: 44-53.
9. Jiménez-Barrionuevo, M.M., V.J. García-Morales and L.M. Molina. 2011. Validation of an instrument to measure absorptive capacity. Technovation, 31(5): 190-202.
10. Kostopoulos, K., A. Papalexandris, M. Papachroni and G. Ioannou. 2010. Absorptive capacity, innovation, and financial performance. Journal of Business Research, 64: 1335-1343.
11. Lichtenthaler, U. and E. Lichtenthaler. 2009. A capability-based framework for open innovation: complementing absorptive capacity. Journal of Management Studies, 46(8): 1315-1338.
12. Li, Y.H., J. Huang and M. Tsia. 2009. Entrepreneurial orientation and firm performance: The role of knowledge creation process. Industrial Marketing Management, 38(4): 440-449.
13. Lumpkin, G.T. and G.G. Dess. 1996. Clarifying the entrepreneurial orientation construct and linking it to performance. Academy of Management Review, 21: 135-172.
14. Lumpkin, G.T. and G.G. Dess. 2001. Linking two dimensions of entrepreneurial orientation to firm performance. Journal of Business Venturing, 16(5): 429-451.
15. Magner, N., R.B. Welker and T.L. Campbell. 1996. Testing a model of cognitive budgetary participation -processes in a latent variable structural equations framework. Accounting and business in a latent variable structural equations framework. Accounting and Business Research, 27(1): 41-50.
16. Morady, M., M.A. Valipour, K. Yakideh, A. Safardoost and F. Abdollahian. 2013. The role of knowledge absorption capacity of the innovative performance of organizations. Outlook of Business Management Quarterly, 13: 79-102.
17. Núñez-Pomar, J., V. Prado-Gascó and V. Añó Sanz. 2016. Does size matter? Entrepreneurial orientation and performance in Spanish sport firm. Journal of Business Research, 9116:1-6.
18. Pavlou, P.A. and O.A. El Sawy. 2006. From IT leveraging competence to competitive advantage in turbulent environments: The case of new product development. Information Systems Research, 17(3): 198-227.
19. Rahmani, M. 2006. An investigation the role of Agro industries in reducing waste and developing exports of agricultural products. Ravand Quarterly, 49: 201-229.
20. Rakthin,S., R.J. Calantone and J.F. Wang. 2016. Managing market intelligence: The comparative role of absorptive capacity and market orientation. Journal of Business Research, 9156: 1-9.
21. Razavi, S.M., M.R. Zali, M. Rashidi and J. Didari. 2011. The role of entrepreneurial orientation on organizational performance, the branches of Mellat bank of Tehran. Journal of Research Executive Management, 5: 95-116.
22. Salvato, C., S. Sciascia and F. Alberti. 2009. The micro foundations of corporate entrepreneurship as an organizational capability. International Journal of Entrepreneurship and Innovation, 10: 279-289.
23. Sanjaghy, M.E., A. Farrahy, H. Dorody and I. Zohourian. 2014. Mediation effect of organizational commitment on the relationship between entrepreneurial orientation and organizational performance. Journal of Human Resource Management, Imam Hossein University, 1: 1-29 (In Persian).
24. Sciascia, S., L. D'Oria, M. Bruni and B. Larraneta. 2014. Entrepreneurial orientation in low- and medium-tech industries: The need for absorptive capacity to increase performance. European Management Journal, 32: 761-769.
25. Semrau. T., T. Ambos and S. Kraus. 2015. Entrepreneurial orientation and SME performance across societal cultures: An international study. Journal of Business Research, 8650:1-5.
26. Sharifi, O. and Gh.H. Abdollahzadeh. 2003. The role of agricultural processing industry (with an emphasis on the products) in agricultural development. Jahad, 261: 55-59.
27. Sokoutfar, R. 2016. Reducing postharvest losses in I.R. Iran, 8th Meeting of Agriculture Working Group, Ankara. Turkey.
28. Tzokas, N., Y.A. Kim, H. Akbar and H. Al-Dajani. 2015. Absorptive capacity and performance: The role of customer relationship and technological capabilities in high- tech SMEs. Industrial Marketing Management, 47: 134-142.

[Downloaded from jea.sanru.ac.ir on 2025-12-08]

29. Vorheis, D.W. and N.A. Morgan. 2005. Benchmarking marketing capabilities for sustainable competitive advantage. Journal of Marketing, 69(1): 80-94.
30. Wiklund, J. and D. Shepherd. 2003. Knowledge-based resources, entrepreneurial orientation, and the performance of small and medium-sized businesses. Strategic Management Journal, 24(13): 1307-1314.
31. Wiklund, J. and D. Shepherd. 2005. Entrepreneurial orientation and small business performance: A configuration approach. Journal of Business Venturing, 20: 71-91.
32. Zahra, S.A. and J. Covin. 1995. Contextual influences on the corporate entrepreneurship-performance relationship: a longitudinal analysis. Journal of Business Venturing, 10: 43-58.
33. Zahra, S.A., I. Filatotchev and M. Wright. 2009. How do threshold firms sustain corporate entrepreneurship? The role of boards and Absorptive Capacity. Journal of Business Venturing, 24: 248-260.
34. Zahra, S.A. and D.M. Garvis. 2000. Entrepreneurship and organization performance: The moderating effect of international environmental hostility. Journal of Business Venturing, 15(5): 469-492.
35. Zahra, S. A and G. George. 2002. Absorptive capacity: A review, reconceptualization, and extension. Academy of Management Review, 27(2): 185-203.
36. http:// www.maj.ir/ , Ministry of Agriculture- Jihad. 2009, 2015.

[Downloaded from jea.sanru.ac.ir on 2025-12-08]

The Role of Entrepreneurial Orientation and Knowledge Absorptive Capacity on Firms' Performance of Agro Industry

Khatereh Pourahangarian[1], Morteza Movaghar[2] and Meisam Shirkhodaee[3]

1 and 3- Gradated M.Sc. Student and Associate Professor, University of Mazandaran
2- Assistant Professor, University of Mazandaran, (Corresponding author: m.movaghar@umz.ac.ir)
Received: March 12, 2017 Accepted: November 15, 2017

Abstract

In dynamic business environment, that profit streams in future is unreliable, the firms continually need to search and exploit new opportunities. As a result, it is essential for firms have more attention to performance and factors affecting on it, to maintain an active presence in this field. Now a day, entrepreneurship and entrepreneurial orientation is at the central point of view of researchers and managers in theory and practice of management in organizations. The purpose of this study is examining the effect of entrepreneurial orientation and knowledge absorptive capacity on SME performance of Agro industry in Mazandaran. The sampling method is stratified random sampling and the sample size consists of 99 firms. Data have been collected thought Questionnaire that its validity confirmed according to experts opinion. Its reliability was calculated 0.95 with Cronbach's alpha formula. The results showed that entrepreneurial orientation and knowledge absorptive capacity have a positive and significant effect on the firm performance. In other words, higher levels of entrepreneurial orientation activities lead to higher level of performance. In addition, the findings has showed that continuous exploration of knowledge outside the firm, absorption and internalization of required components of them among individuals an teams can improve the firm's performance. According to findings, we have introduced that the managers can improve the firm's performance with entrepreneurial orientation, and preparation to knowledge absorptive capacity.

Keywords: Entrepreneurial Orientation, Knowledge Absorptive Capacity, Agro Industry Performance, Mazandaran Province

[Downloaded from jea.sanru.ac.ir on 2025-12-08]